

لنین و تئوری انقلابی

(۱۷۹۵ - ۱۸۸۷)

را با جدیت و دقت کم نظیری مطالعه کرده بود و بهین جهت بسیار زود قدرت اجتهادی شگرفی در مسائل بر اساس اسلوب تحلیل مارکسیستی نشان میداد. لنین هرگز زندگی علمی و نظری خود را از جدیترین زندگی عملی انقلابی جدا نداشت.

لنین برای آنکه بتواند آن مسائل مبرمی را که تاریخ جهان بمشابه رجل انقلابی و پیشوای توده های زحمتکش در برابرش نهاده بود عملاً حل کند، دارای کبیه تدارکات نظری و عملی لازم بود. وی از همان آغاز فعالیت اجتماعی خود مارکسیزم



او هم چنین طی زندگی خویش توانست تجارب سه انقلاب روس و جنبش وسیع جهانی کارگری، نخستین جنگ جهانی و جنگ داخلی را گرد آورد و تجارب را در خدمت ساختمان نخستین جامعه سوسیالیستی، در خدمت تکامل جنبش انقلابی جهانی و بطور کلی در خدمت تکامل تئوری انقلابی قرار دهد.

پس از مارکس و انگلس تئوری انقلابی آنها مورد مقلدهای فراوان چپ و راست و تحریف های بدعت آمیز و یا قشری قرار گرفته بود. لنین تئوری انقلابی مارکس و بقیه در صفحه ۳

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

قطعه نامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

جهان که از پنجم تا هفدهم ژوئن سال ۱۹۶۹ پس از تدارک طولانی و مراعات روح مشورت جمعی و دموکراتیک کامل در مسکو تشکیل شد بدون تردید حادثه برجسته ای در تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و کامیابی بزرگ این جنبش و مرحله مهمی در راه وحدت و همبستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و اترناسیونالیسم پرولتری است. این جلسه موفق دنباله در صفحه ۵

سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت اجراییه کمیته مرکزی را در باره تدارک و جریان جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیستی و کارگری استماع کرد و پس از بحث در پیرامون آن نتیجه گیریهای زیرین را تصریح میکند:

- ۱ -

جلسه تاریخی مشاوره ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

او و حزب توده ایران متهم میکنند و حتی با بکار بردن برخی کنایات و اشارات میخوانند پای بعضی از کشورهای سوسیالیستی را نیز بنحوی بیان کشند.

مقامات حاکمه و مطبوعات دولتی ایران میکوشند با در آمیختن يك سلسله اخبار پراکنده و سر هم کردن پاره ای اسامی دنباله در صفحه ۲

اخیراً هیئت حاکمه ایران و مطبوعات وابسته به آن از نو کارزار تبلیغاتی شدیدی علیه حزب توده ایران بر راه انداخته اند. این بار بیپناهانه حمله به تیمور بختیار نه تنها میکوشند حزب توده ایران را همدست و متحد وی جلوه دهند، بلکه پا را از این فراتر گذاشته حزب کمونیست عراق را نیز بهمکاری واتحاد باریس سابق سازمان امنیت ایران و وساطت بین

تلگراف شادباش بمناسبت سالگرد ۲۱ آذر

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد نهضت انقلابی خلق آذربایجان تلگرافی بشرف زیر به سازمان ایالتی حزب توده ایران، کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ارسال داشته است:

بمناسبت بیست و چهارمین سال نهضت انقلابی خلق آذربایجان و جشن ۲۱ آذر خواهشمندیم بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران درود های صمیمانه و پر شور ما را به عموم رفقای فرقه دموکرات، کمیته مرکزی فرقه و همه پناهندگان آذربایجان ابلاغ نمایند. امید بر گزارای جشنهای پرشکوه آینده نزدیک در ایران، موفقیت فرقه دموکرات آذربایجان را در پیشبرد امور حزبی و مبنی آرزومندیم.

در باره يك سند مهم

کوشش خواهد شد از این سند بسیار مهم در مطبوعات ما استفاده بیشتری بشود.

تزه های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت صدمین سالگرد لنین حاوی يك مقدمه و چهار فصل بدین شرح است: دنباله در صفحه ۲

اخیراً مطبوعات شوروی تزه های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را تحت عنوان « برای صدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین » منتشر کرده اند. چون ماهنامه مردم گنجایش درج ترجمه کامل این تزه را ندارد، در زیر خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان گرامی میرسانیم. در آینده

مغلطه کاری رژیم بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

زمینه مساعدی برای توسعه دامنه تبلیغات بر اساس این شیوه فراهم آورده است. در واقع مغلطه کاری زمامداران رژیم (از شاه و اعضاء خاندان سلطنت گرفته تا اعضاء دولت و مجلسین و مأموران عالی رتبه کشوری و لشکری) و جسارت در قلب حقایق از حدود مسائل داخلی تجاوز کرده و بعرضه بین المللی کشیده شده است.

تنها صحبت از این نیست که گویا در نتیجه انقلاب ادعائی شاه و مردم و آن سیاست باصطلاح مستقل ملی، عدالت اجتماعی بمعنای تام و کامل خود در کشور ما برقرار شده و آزادی و رفاه مردم و استقلال کشور تأمین گردیده است بلکه سخن بر سر اینست که دنباله در صفحه ۴

این حيله دزدان که برای گریز از دست متعاقبین، بدزد خیالی نهب میزنند و بازگه « آی دزد! آی دزد » بلند میکنند، در ما مشهور است. و این امر نیز که دولتهای ارتجاعی ایران در موارد معین از این حيله برای قلب واقعیات و فرار از خشم مردم استفاده کرده اند بر کسی پوشیده نیست. ولی بدرستی میتوان ادعا کرد که بکار بردن این نیرنگ در مقیاس عمومی تبلیغاتی و مبدل ساختن آن به تاکتیک رسمی دولتی یکی از صفات میزبه سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران است. محیط خفقان، فقدان آزادیهای دموکراتیک و عدم امکان فعالیت علنی برای احزاب، اجتماعات و مطبوعات مخالف رژیم،

پاسخ کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام به نامه تسلیمت حزب ما

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

از جانب حزب زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و مردم ویتنام از نامه تسلیمتی که بمناسبت درگذشت رئیس جمهور محبوب ما رفیق هوشی مین ارسال داشته بودید عمیقاً سپاسگزاریم. باشد که همبستگی و دوستی بین دو حزب ما و خلقهای ما روز بروز بیشتر تحکیم و گسترش پذیرد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

ضمیمه مردم در تهران منتشر شد

شماره مهر ماه «ضمیمه ماهنامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران - تشکیلات تهران انتشار یافت. در این شماره شاد باش تشکیلات تهران بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران این شرح منتشر شده است: «تشکیلات تهران - حزب توده ایران دهم مهر ماه سالروز پیدایش حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را به کمیته مرکزی، بر رفقای حزبی و همه نیروهای ملی و مترقی ایران شاد باش میگوید و آرزو دارد با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر در مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی، پیروزی های باز هم بیشتری صلب خلقهای ایران گردد»

سر مقاله این شماره یکی از مقالات شماره ۴۹ ماهنامه مردم است تحت عنوان: «نه انقلابیگری و نه تسلیم» که ضمن آن چنین خاطر نشان شده است: «زندگی بار دیگر ثابت کرد که هشیاری انقلابی و مشی انقلابی فقط از آن حزبی است که به خلق خود، به طبقه کارگر خود، به مارکسیسم-لنینیسم و به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بماند نه غوغای انقلابیگری و نه زاری تسلیم طلبی در اراده او تزلزل ایجاد نکند، فاطم و استوار و پیگیر زمین آتش دشمن و تیر مخالفان بگذرد و رسالت تاریخی خود را به انجام رساند. زندگی تأیید کرد که فقط حزب توده ایران چنین حزبی است.»

متن کامل وصیت نامه رفیق هوشی مین در شماره اخیر «ضمیمه مردم» درج شده و در پایان گفته شده است: «رفقای حزبی و خلقهای مین ما که درگیر مبارزه با امپریالیسم و استبداد آن هستیم، از ضایعه غم انگیز درگذشت رفیق هوشی مین سوگوارند. تشکیلات تهران-حزب توده ایران در این غم بزرگ خود را برادرانه شریک میدانند و از طرف تمام رفقای حزبی و همه زندانیان سیاسی و همه مبارزان ایران با خلق قهرمان و بی تمام تسلیم میگوید. پیروز باد مبارزه دلاورانه خاق و بی تمام در راه که هوشی مین انتخاب کرد» در شماره مهرماه «ضمیمه مردم» اخباری از زندگی و شرایط کارگران بالایشگاه تهران، کوره پزخانه ها و کارگران ساختمانی درج شده. از مهمترین این اخبار خبر اعتصاب کارگران برخی از کارخانه ها در تهران، اصفهان یزد و کرمان بمنظور اعتراض به تعیین حد اقل دستمزد از طرف وزارت کار است. (عین خبر در ماهنامه مردم شماره ۵۳ انتشار یافته است.)

خبر مربوط به اعتصاب دانشجویان هنرستان صنعتی نارمک نیز از جمله اخبار دیگر «ضمیمه مردم» است. در صفحه اول روزنامه شعار «اتحاد، مبارزه پیروزی» شعاری که باید در پیرامون آن گرد آمد و استبداد و امپریالیسم را به خاک سپرد» به چشم میخورد در صفحه دوم با درج شعار: «هموطن! زندانیان سیاسی بخاطر به دست تو و خانواده تو به بند کشیده شده اند. از خانواده آنان حمایت کن و برای آزادی شان از هیچ کوششی مضایقه مکن» از کلیه هم میهنان برای مبارزه در راه رهایی زندانیان سیاسی از زندان شاه و توجه به خانواده های آنان دعوت شده است.

انتشار منظم «ضمیمه مردم» در شرایط ترور پلیسی، موفقیت رزمندگان حزب ماست. شعله ای است که به همه یونندگان راه آزادی و استقلال ایران گرمی می بخشد.

در باره يك سند مهم

فصل اول - لنین بنیاد گزار حزب کارگری طراز نوین، شورسین و رهبر انقلاب سوسیالیستی. فصل دوم - سوسیالیسم تجسیم اندیشه های لنینیسم. فصل سوم - لنینیسم پرچم مبارزه خلقها علیه امپریالیسم برای تحول انقلابی جهان. فصل چهارم - در راه لنین بسوی کمونیسم.

در مقدمه سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، این نکته تصریح شده است که نام لنین همراه با سرتاسر يك دوران انقلابی تاریخ بشریت است. «لنین به برترین مسائل تحول تاریخی پاسخ داده و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه توضیح داده است. وی جنبش انقلابی روس و جنبش انقلابی جهانی را به تاکتیک و استراتژی علمی مجهز نموده و در رأس مبارزه طبقه کارگر برای تحقق اندیشه های سوسیالیسم قرار گرفته است. . . . لنینیسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری، عصر فروریختن کنیالیسم و پیروزی جنبش رهایی بخش ملی، عصر گنار بشریت از سرمایه داری بسوسیالیسم و ساختمان جامعه کمونیستی است. . . . احزاب کمونیستی با تکیه بر ارثیه اندیشه های لنین کاری بزرگ و خلاق انجام میدهند و با سرسختی علیه ایده فلولوژی بورژوازی معاصر علیه انحرافات راست و چپ مبارزه میکنند.»

در فصل اول نیزها شرایط تشکیل حزب بلشویک و پیروزی انقلاب اکبر تشریح شده و آموزش لنین در باره حزب طراز نوین یاد آوری شده است «لنین و بلشویکها کوششهایی را که بمنظور تبدیل حزب به کلوب مباحثه و تشکیل فراکسیونها و گروههای مختلف بود محکوم کردند. آنها معتقد بودند که قدرت فاطم حزب در یکپارچگی و وحدت صفوف آن و مقاومت در برابر اقدامات تریست که انضباط حزبی و وحدت حزب را تضعیف مینماید. بعقیده لنین شرط ضروری موفقیت يك حزب مارکسیستی، مبارزه در دو جبهه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم هم از راست و هم از چپ است.»

در پایان این فصل کمیته مرکزی اعلام میکند: «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر نخستین اقدام پیروزمندانه انقلاب سوسیالیستی جهانی است. انقلاب اکبر سرمای، سیاسی و اجتماعی یکدولت عظیم را بطور بنیادی در گون ساخت و جنبش رهایی بخش جهانی را بسطع عالیتری رساند. لنین میگوید این انقلاب راه پیشروی بسوی سوسیالیسم را به جهانیان نشان داد و به بورژوازی اعلام نمود که دوران تسلط وی پایان خود نزدیک میشود.»

در فصل دوم نیزهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت صدمین سالگرد تولد لنین از جمله گفته میشود: «در جامعه سوسیالیستی سازمان و مدیریت مبتنی بر اصول لنینی مرکزیست دموکراتیک است، اصولی که بر کبیر

ارگانیک بین رهبری متمرکز و طبق نقشه و ابتکارات گسترش یابندهای محلی را در بر میگیرد. . . .

ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم فقط تحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی با موفقیت انجام پذیر است.»

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با یاد آوری از مبارزه ای که علیه کش شخصیت و ذهنی گری نموده است خاطر نشان میسازد: «تضمین برای جلوگیری از بروز مجدد این پدیده های منفی، عبارتست از احترام دقیق بقوانین لنینی حیات حزب و دولت، بسط انتقاد و انتقاد از خود و اجرای منطقی اصول رهبری جمعی و ارتباط وسیع با توده ها». سبش در نیزها گفته شده است که حزب هر کوششی را در جهت سوء استفاده از انتقاد کش شخصیت بمنظور زیان رساندن بمنافع خلق و سوسیالیسم محکوم مینماید. . . .

سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از یاد آوری نتایجی که در ساختمان جامعه ای سوسیالیستی بدست آمده است متذکر میگردد: «قول لنین در باره اینکه اهرم اساسی تأثیر سوسیالیسم در انقلاب جهانی عبارتست از سیاست اقتصادی آن و ایجاد مبنای اقتصادی جامعه ی نوین که از لحاظ نیروهای مولد بر سرمایه داری تفوق دارد، در مرحله ی کنونی مسابقه بین دو سیستم پیش از هر موقع دیگر فعلیت دارد.»

در مورد تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که یکپارچگی سیاسی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی نیرو و قدرت هر يك از آنها را چند برابر میکند.

تیزهای مندرج در فصل سوم بویژه مبارزه ضد امپریالیستی و نبرد بخاطر تحول انقلابی جهان را مطرح مینماید. در این بخش خطوط اساسی سیاست خارجی شوروی بیان میگردد. هدف این سیاست عبارتست از تأمین هنزیستی مسالمت آمیز که شرایط مناسبی برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را فراهم آورده و محیط مساعدی برای مبارزات رهایی بخش زحمتکشان همه کشورها و ترقی اجتماعی و اقتصادی تمام خلقها را تأمین می کند. در عین حال هنزیستی مسالمت آمیز متضمن مبارزه سیاسی، اقتصادی و ایده نولوژیک حاد بین سوسیالیسم و سرمایه داری، بین طبقه کارگر و بورژوازی است. هم - زیستی مسالمت آمیز بهیچوجه بمعنای صلح طبقاتی نیست و نمیتواند حق مقدس خلقهای اسیر را برای رهایی خود با توسل تمام شیوه های مبارزه و از جمله مبارزه مسلحانه نفی کند.

در نیزهای مربوط به انترناسیونالیسم پرولتری، سند خاطر نشان میسازد که لنین ترکیب صحیح معیارهای ملی و انترناسیونالیستی را بعنوان مسئله مرکزی در فعالیت احزاب کارگری تلقی نموده است. انترناسیونالیسم پرولتری در شرایط کنونی اهمیت ویژه ای کسب میکند و بنیان اساسی ترقی اجتماعی و اتحاد تمام نیروهای انقلابی را برای

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه دبیر خانه . . .

ایرانی و عراقی، حزب ما را به جریان بختیار بچسبانند و از این راه بگمان خود با یک تیر دو نشان بزنند: هم توجه مردم را از جنابات فجبی که رژیم کنونی ایران بسوسیله سازمان امنیت، چه در زمان تصدی بختیار و چه پس از آن، علیه اعضا حزب توده ایران و دیگر مبارزان راه آزادی و استقلال کشور مرتکب شده است، منحرف سازند و هم سیاست عمیقاً میهن پرستانه حزب ما را دایر بمبارزه در راه اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک علیه امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی ایران، یعنی سیاستی که بر مبنای تحلیل اصولی و واقع بینانه اوضاع کشور قرار گرفته و دور زهر گونه ماجراجویی و تسلیم طلبی است خدشه دار کنند.

روش ضد توده ای و ضد کمونیستی رژیم ارتجاعی ایران و گردانندگان آن آشکارا ندارد و اینان با اهمیت نقشی که حزب توده ایران در جنبش رهایی بخش ملی و در بخش و نشر اندیشه های انقلابی مارکسیسم - لنینیسم در میان توده های وسیع کشور ما اشفا کرده و میکند واقفند و از تأثیر عمیق این افکار چه در مبارزات برای حصول آزادیهای دموکراتیک علیه رژیم حکومت مطلقه و چه در نبرد استقلال طلبانه علیه امپریالیسم بخوبی آگاهند. به همین سبب است که با استفاده از محیط اختناق و تروری که بر کشور ما حاکم است، هیچ فرصتی را برای ایراد انواع اتهامات و جعل اکاذیب بمنظور حمله بحزب توده ایران از دست نمیدهند. در عین اینکه حزب ما را «منحله» میخوانند و چنین جلوه میدهند که گویا مدتیهاست این سازمان سیاسی طبقه کارگر، کوچکترین تأثیری هم در سیر حوادث کشور ندارد و در حالیکه در مورد فعالیت مترقی و انقلابی حزب توده تعدماً سکوت میکنند، آن گاه که سیاست نیرنگ و فریب آنان اقتضا کند، حزب توده ایران را بانوی، مبتکر یا الهام بخش جریان

تفرقه های آینده علیه مواضع امپریالیسم تشکیل میدهد. . . . «همبستگی بین المللی ستون فقرات نهضت کمونیستی و کارگری بوده و هست.»

در آخرین فصل در باره ساختمان کمونیسم گفته شده است: حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که امروزه اقتصاد شوروی بمرحله ای رسیده است که جهت اساسی آن تشدید تولید است. این امر مستلزم تغییرات عمیق کیفی در مجموع اقتصاد ملی و در هر يك از حلقات آنست. ساختمان کمونیسم متضمن استفاده وسیع از دستاورد های انقلاب علمی و فنی است که حامل تغییرات کیفی در تکنیک، در سازمان مدیریت و رهبری و خصلت فعالیت مشر انسانهاست. ساختمان کمونیسم متضمن تکامل تمام سیستم های مناسبات اقتصادی جامعه ی سوسیالیستی است.

بقیه در صفحه ۷

زندان دژ مبارزان

بازهم سازمان جهنمی امنیت عده‌ای از جوانان دانشجوی را بزندان برده است، باز هم عده‌ای از کارگران را که حق خود را میخواستند در بند کرده اند، بازهم با تمام شکنجه‌ها، اعدامها و تبعیدها هفته‌ای نیست که گروه تازه‌ای برندانان سیاسی نیوندند.

ورود مبارزان جدید بزندانها، به زندانیان قدیمی که عمر خود را در زندانهای مختلف کشور گذرانده اند نشان میدهد که راه آنها ادامه دارد، که مبارزه پایان نرسیده و پرچم خونین رژیم گان در اهتزاز است. با هر یورش جدید پلیس و دستگیری برهن پرستان، زندانیان قدیمی میبینند که راه آنها درست بوده و محرومیتی را که کشیده اند و می‌کشند بی‌ثمر نبوده است و این مبارزه تا سرنگونی رژیم فاسد و دست‌نشانده فعلی ادامه خواهد داشت.

امروز زندانهای ایران به آمو- زشگاه مبارزان تبدیل شده است، زندان و محرومیت و دوری از خانواده مبارزان را از پای نیشداخته است، آنها با فرا گرفتن علوم مختلف، با فرا گرفتن زبانهای خارجی، با نوشتن کتاب و ترجمه آثار خارجی بیش از پیش ماهیت رژیم شاه را که انسانهای با استعداد و با انرژی را پشت میله‌های زندان نشانده است آشکار میسازد و همین انسان‌های زحمتکش مجبورند با روزی ۱۶ ریال

جیره خشک زندگی نمایند، در گوشه سلول روی چراغهای نفتی غذای خود را بزنند و با انواع محرومتهای دیگر بسوزند، دوا در زندان نیست، برای گرفتن یک قرص آنتی بیوتیک باید مدتها در انتظار بود. ملاقاتها محدود است و کسانی که در زندانهای دور دست کشور زندانی اند از همین ملاقاتهای محدود نیز عملاً برخوردار نیستند.

خانواده‌های زندانیان، بخصوص کسانی که سالهای متدای است، نان آور خود را در پشت میله‌های زندان می‌بینند، زجر فراوانی می‌برند وضع عده‌ای از خانواده‌ها بقدری بد است که زندانیان مجبورند از همین جیره ۱۶ ریال خود، چند شاهی پس انداز کنند و برای خانواده خویش بفرستند.

بیشتر زندانیان سیاسی در اثر شکنجه‌های فیزیکی و کیمیایی «بازجویی» دیده‌اند، در اثر بدی و کمی غذا، نبودن هوای کافی و وسائل بهداشتی و توجه پزشکی به بیماریهای گوناگون دچار شده‌اند و از مداوای آنها نیز خبری نیست. رفقای حزبی ما که از زمان کودتا



بمناسبت بیستین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان کمیته مرکزی حزب توده ایران قالیچه‌ای که هم طرح و هم بافت آن ثمره کار هنرمندان ایرانی است به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان هدیه نمود. قالیچه مزبور که تصویر آن در فوق مشاهده میشود توسط رفیق رحیم غنائی بافته شده و طرح آنرا رفیق جعفر مجری داده است.

دنباله از صفحه ۱

لنین و تئوری انقلابی

انگلس را در تمام اجزاء سگانه اساسی آن یعنی فلسفه، اقتصاد و کمونیزم علمی، بر پایه تجارب عملی انقلاب روس و جهان و نیز دستاوردهای علمی و فرهنگی روس و جهان بسط داد. مختصات عصری که لنین در آن میزیست

عبارت بود از عصر امپریالیسم. مثابه واپسین مرحله سرمایه‌داری و آغاز زوال سیستم سرمایه‌داری، عصر انقلابات سوسیالیستی و ملی و رهائی بخش، عصر ساختمان سوسیالیسم. در این عصر که نسبت به دوران مارکس و انگلس ویژه‌گی‌های تازه‌ای کسب کرده بود، می‌بایست تئوری انقلابی را با تعمیمات و استنتاجات نوی غنی ساخت و استراتژی و تاکتیک حزب پرولتاریا را بسط داد. حوادث دوران لنین و پس از او صحت و قدرت منطقی احتجاجات و استنتاجات تئوریک لنین را ثابت کرد. پیدایش شخصیتی مانند لنین و فعالیت تئوریک او در روسیه یک امر غیر قابل توضیح

تاکنون در زندانهای مختلف ایران بسر می‌برند و شکنجه‌ها و زجرهای زیادی را دیده‌اند به معاینات دقیق پزشکی و معالجات مؤثر نیازمندند، ولی در زخمیان توجهی باین امر حیاتی نمیکنند و حتی اجازه نمیدهند که عده‌ای از آنها که امکاناتی دارند با وسائل شخصی خود معالجه شوند.

هنگام بازدید از زندانیان سیاسی بارها نمایندگان شاه گفته‌اند ما داریم زندانهای تازه میسازیم، چون سازمان امنیت دیگر جای خالی در زندانها باقی نگذاشته است. رژیم شاه در نبرد با زندانیان شکست خورده است، مقاومت و مبارزه آنها الهام بخش ززمندگان است. درود به زندانیان سیاسی که زندانها را بدر مبارزان تبدیل کرده اند.

توجه

بزودی کتاب «برخی بررسیها در باره جهان بینشها و جنبشهای اجتماعی در ایران» منتشر خواهد شد. دفاعیه خسرو روزبه تجدید چاپ خواهد شد.

نیست. پیش از لنین جنبش انقلابی روس در زمینه عملی و نظری راه زیادی را پیموده بود. لنین می‌نویسد: «روسیه طی نیم قرن تاریخ مصائب و فداکاریهای بی نظیر، قهرمانهای انقلابی بی همتا، انرژی و جانفشانی شگرف در راه پژوهش، آموزش و آزمایش در عمل. سرخوردگی‌ها و امتحانها و مطابقت تجارب اروپا، تئوری مارکسیستی را بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی بسا رنج بدست آورده است.»

جهان بینی لنین در دورانی شکل و نضج یافت که وی خود آنرا دوران یک «ارتجاع عیان گسسته» و فوق‌العاده بی‌معنی و سبانه میدانند. او در محیط خود هم ستم اقتصادی رژیم تزاری را بصورت فقر مردم میدید، هم ستم سیاسی وی را بصورت فندان مطلق حقوق و آزادیهای دمکراتیک و هم ستم ملی را بصورت محرومیت برخی خلق‌های کوچک که در محیط زندگی لنین بسر میبردند، این مشاهدات، همراه با شرایط پرورشی مساعدی که در خانواده مترقی و روشن بین لنین وجود داشته و از آنجمله تأثیر فداکاری برادر انقلابی که در راه آرمانهای خلق تیرباران شد (۱۸۸۷) و آشنائیش با ادبیات مارکسیستی و جنبش کارگری روس لنین را خیلی زود و خیلی استوار وارد عرصه انقلاب کرد.

هفده ساله بود که در دانشگاه غازان بعزت شرکت در «آشوبهای دانشجویی» بازداشت شد و تحت نظر ژاندارم به دهکده «کوشکینو» تبعید گردید. لنین از همان آغاز متوجه بود که راه تروریزم انقلابی که برادرش پیروند نمی‌تواند به تحول بنیادی جامعه روس منجر گردد. لذا او در جستجوی یافتن راه دیگری بود که قادر باشد چهره جامعه را با شرکت خود افراد آن دگرگون کند.

در کوشکینو لنین مجله «ساورتیک» را که تحت نظر فیلسوف انقلابی روس چرنشوسکی منتشر میشد و بویژه در مجله مقالات خود چرنشوسکی را با دقت تمام میخواند و گاه یک مقاله را چند بار مطالعه میکرد. خود لنین بعدها یادآوری میکند که خواندن مقالات چرنشوسکی در او بویژه در دریافت دیالکتیک هگل و نقش مثبت آن برای تحلیل پدیده‌های طبیعت و اجتماع تأثیر زیادی داشت. لنین می‌نویسد درک دیالکتیک هگل کار را برای درک دیالکتیک مارکس بعدها بسی آسان ساخت.

پس از یکسال به لنین اجازه دادند از دهکده کوشکینو به شهر غازان باز گردد ولی مجاز نبود وارد دانشگاه شود. در آن ایام در سراسر روسیه «محفل» هائی برای مطالعه مارکسیسم بطور مخفی تشکیل میشد. در غازان محفلی تحت نظر فدوسه یف‌دائر بود. لنین در پائیز سال ۱۸۸۸ وارد این محفل شد، در این محفل «سرمایه» اثر مارکس، رساله‌های انگلس و پلخانف مطالعه میشد. شرکت در این محفل لنین را که زمینه کافی داشت، به یک مارکسیسم معتقد مبدل کرد. سالهای بعد بررسی لنین از مارکسیسم باجدیت روز افزون ادامه یافت. وقتی در ۲۳ سالگی (۱۸۹۳) وارد پترزبورگ دنباله در صفحه ۷

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

گویا اقدامات داهیهانه آریامهری و اندرزهای بشردوستانه و حکیمانه «پدر تاجدار» جهان رافرا گرفته و حتی نمونه ایران مانند چراغ تابناکی راه بشریت را برای «ساختن دنیائی که در آن نادانی، اسارت و ستمگری از میان برود و انسان فقط بعزت انسان بودن خود و بدون هیچگونه تمایز و تبعیض از تمام حقوقها و آزادیهای متناسب با ارزش و مقام فرد برخوردار باشد.» روشن ساخته است!

این عبارات را اشرف خواهر شاه، که بنا بر همان تاکتیک مذکور، ریاست عالیه کمیته ایرانی حقوق بشر نیز بوی تفویض شده، بمناسبت بیست و یکمین سالروز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر بی پروا بیان میکند و برادر تاجدارش نیز با کمی از آن ندارد که در پیام خود بهمین مناسبت دم از مبارزه با «چهل و گرسنگی» و حتی «خودکامگی» آنهم در مقیاس جهانی بزند و سرانجام اعلام دارد که: «جامعه ایرانی اکنون در راهی که با اصول منطقی و بشر دوستانه و مترقی هماهنگی کامل دارد پیش میرود و از این راه سهم مسئولیت خویش را در راه ایجاد جهانی بهتر با احساس کامل این مسئولیت به عهده گرفته است.» جل الخالق! این فرمایشات از آن کسی است که نه تنها خود یکی از ناقضین عنوان دار مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر است، بلکه در خود کامگی و پایمال ساختن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم، در برهم ریختن اساس مشروطیت و حکومت پارلمانی، در ستمگری و بیاد، سرآمد اقران خود در جهان است.

این غنا بقدری شور است که خود خان هم فهمیده است. حتی شاه و اشرف در پیامهای خویش کلمه ای هم از آزادیهای سیاسی که شالوده اساسی اعلامیه حقوق بشر است بر زبان نیاوردند و فقط بر روی مسائلی کلی از قبیل «ارزشهای انسانی»، «حصول بعد اکثر ایدیه آلهای انسانی» و بویژه بر مسئله تبعیض نژادی که بهیچوجه با درد های مستقیم جامعه ایران ارتباطی ندارد، تکیه میکنند. نطق مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا که باصطلاح در «تجلیل اعلامیه جهانی حقوق بشر» ایراد شده است از پیام اربابان خود نیز تو خالی تر است.

توأم ساختن سالروز صدور اعلامیه حقوق بشر با روز ۲۱ آذر، که در قاموس اصطلاحات رژیم کنونی «روز نجات آذربایجان» خوانده میشود، بهوده نیست. شاه و زمامداران رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کشور ما میخواهند چنین جلوه دهند که کشتار بیش از بیست هزار نفر از هموطنان ییدفاع آذربایجانی ما در این حادثه، اعدام برادران قاضی که حتی کوچکترین مخالفتی هم با ورود ارتش دولتی به کردستان نکردند،

تیرباران دسته جمعی گروه ۳۳ نفر افسر میهن پرست، حلق آویز آزادخواهانی چون داداش تقی زاده، آزاد وطن، فریدون ابراهیمی، وغیره و گوش و بینی بری افرادی چون حسین نوری و قتل فجیع آنها در حضور زن و فرزند، پس از انجام انواع بی عصمتی ها، باز داشتهای دسته جمعی و هزاران فجایع دیگر، از جمله اقداماتی است که گویا با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر سازگار است! در این مقاله جای آن نیست که در باره عدم مشروعبت لشکر کشی دولت به آذربایجان و کردستان بویژه پس از آنکه دولت رسماً با نمایندگان مردم آذربایجان وارد مذاکره شد، خواستهای مشروع ملی آنها را پذیرفت و بنا بر توافق قبلی قرار شد نیروی نظامی دولتی برای تأمین آزادی انتخابات وارد آن سامان شود، سخنی بگوئیم. اینها فاکتهای تاریخی است که نمیتوان با هیچ دستاویزی قلب نمود. ولی فرضاً که این لشکر کشی و فجایع متعاقب آن با منطق طبقاتی هیئت حاکمه ایران هم قابل توجیه باشد، دیگر چه جای اینهمه جشن گرفتن ها و پایکوبیهاست.

مگر نه اینست که در این حادثه عده کثیری از هموطنان ما بقتل رسیده اند؟ آخر قتل و کشتار جمعی مردم ییدفاع که جشن و سرور ندارد. حتی (تیر) مرتجعترین نماینده بورژوازی فرانسه، پس از توفیق در سرکوب مقاومت مسلحانه طبقه کارگر فرانسه در دوران کمون پاریس جسارت را باین درجه نرساند که همه ساله برای این پیروزی جشن بگیرد، سوار بر اسب شود و ارتشی را که بکمک بیگانگان تنظیم یافته است سان ببیند.

آیا ادعای دفاع از اعلامیه حقوق بشر از طرف شاه و رژیم که مرتکب انواع جنایات ضد انسانی شده، هزارها میهن پرست ایرانی را برای استقرار و تثبیت حکومت مطلقه بمیدانهای اعدام، شکنجه گاهها و زندانها فرستاده، احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک را تعطیل و مطبوعات آزادخواه را ممنوع ساخته، ببدترور ریزی سازمان امنیت آزادی عقیده، بیان، قلم و مطبوعات و تمام اصول قانون اساسی ایران را زیر پا گذارده و خلاصه حکومت مشروطه را تبدیل بقبرستان آریامهر نموده است در عین اینکه کمدی تأثر انگیز نیست توهینی شنیع نسبت بمردم مسلوب الحق میهن ما نیست؟ مردمی که در راه تأمین حقوق و آزادیهای آنان جانهای عزیز بی چون خسرو روزه، دکتر فاطمی، سیامک، و کیلی، مرتضی کیوان، قاضی اسد الهی، زاخاریان، محمود کوچک شوشتری، وارطان سالخانیان، میشری، عزیز، مدنی، وزیران، جلالی، کلالی، کلهری، واعظ قائمی، بهنیا، مجیبی، بیاتی، مهدیان، افشار بکشلو، جمشیدی، واله،

بهزاد، سروشیان، محقق زاده، مختاری، مرزوان، نصیری، قندچی، بزرگک نیا، شریعت رضوی، شریف زاده، سلیمان معینی و ده ها رزمنده دیگر فدا شده اند؟

مگر کسانی که با اتهام سیاسی اعدام شده یا بازداشت و تبعید گردیده اند و یامانند علی خاوری، پرویز حکمت جو، آصف رزمیده و صابر محمد زاده وغیره بحکم دادگاههای درسته نظامی هم اکنون در زندانها بسر میبرند، مرتکب چه گناهی غیر از استفاده از مفاد ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که تصریح میکند: «هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی حقوق و آزادیهای را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را بهر عمل بگذارد» گردیده اند؟

این امر که سازمان امنیت شاه و محاکم نظامی فرمایشی وی جرأت ندارند صراحتاً این اشخاص را متهم بمطالعه آزادی های مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر نمایند و بکنواخت همه را بجرم مخالفت با سلطنت (آنهم با سلطنت مشروطه!) محکوم میکنند، نمیتواند کوچک ترین تغییری در ماهیت اتهام واقعی آنها بدهد. ادعای دفاع از سلطنت مشروطه از طرف حکومت مطلقه ای که همه مقررات قانون اساسی را زیر پا گذارده است در واقع جز اعمال همان تاکتیک عمومی قلب واقعبات چیز دیگری نیست. طبق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظاتی فردی آزاد باشد.»

این درست همان ماده ایست که نه تنها شاه و رژیم وی با آن موافق نیستند (زیرا بهیچوجه با حکومت فردی و سلطنت مطلقه سازگار نیست) بلکه با تمام قوا و با تمام وسائل قاهرانه ممکن در نقض آن میکوشند. آن عده بیشماری از مردم کشور ما که هر روز بیهانه های گوناگون عقیده ای و مستلکی با احضار و بازداشتهای خلاف قانون سازمان امنیت، با شکنجه ها و محاکم درسته نظامی و زندانها سر و کار داشته و دارند میتوانند در باره کیفیت اجراء این اصل مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر طبق «اصول انقلاب سفید شاه» داستانه نقل کنند.

دستگاه حکومت مطلقه تنها باین اکتفا نمیکند که در عمل مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول مصرح در قانون اساسی ایران را در باره آزادیهای فردی و اجتماعی مردم نقض نماید، بلکه با گستاخی تمام قوانینی وضع میکنند که مستقیماً منافی این اصول است. برای آنکه بر دور نرفته باشیم همین لایحه قانونی خدمت وظیفه را که دولت برای تصویب بمجلس برده و در ۱۸ آذر ماه سال جاری در مطبوعات انتشار یافته است شهادت

میآوریم.

صرف نظر از اینکه لایحه مزبور در نخستین ماده خود، وظیفه مسلم و همگانی دفاع از میهن را حسیله گرانه با دفاع از «سلطنت مشروطه» که صرفاً مسئله ای عقیده ای و سیاسی است در آمیخته است، در ماده ۹ پارا از آن فرا تر گذارده چنین تصریح نموده است: «کلیه مشمولانی که وارد خدمت زیر پرچم میشوند باید طبق آئین نامه های ارتش شاهنشاهی نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران و والا - حضرت ولایتعهد و حکومت سلطنتی مشروطه ایران سوگند وفاداری یاد نمایند.»

بعبارت دیگر همه مردم ایران (یا لاقلاً بنا بر متن لایحه کلیه اتباع ذکور دولت شاهنشاهی) نه تنها باید شکل حکومتی سلطنت مشروطه را درست و بی چون و چرا قبول داشته باشند، بلکه موظفند که پادشاه کنونی و ولیعهدش را نیز بپذیرند. بدیهی است که اجبار در انجام چنین سوگند همه اتباع ذکور ایران را از حق داشتن هر عقیده ای اسی دیگری غیر از سلطنت طلبی، آنهم سلطنت موروثی (زیرا باید ولیعهد نیز سوگند وفا داری یاد شود) محروم مسازد. بدین طریق هر نظریه دیگری در باره شکل حکومت ایران (اعم از آنکه ماهیت آن سرمایه داری باشد یا غیر سرمایه داری، دموکراتیک باشد یا استبدادی، متمرکز باشد یا فدراتیو) از پیش محکوم شده و بقید قسم مؤکد گردیده است. همین است و لاغیر و هر کس جز این فکر کند حواله اش با دژخیان سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی است. مقایسه ماده ۹ این لایحه با ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درجه صداقت شاه و زمامداران دیگر رژیم را در دفاع از اصول این اعلامیه بنحو بارزی نشان میدهد.

واضح است رژیم که از بنیاد با آزادی عقیده مخاصمت داشته باشد نمیتواند با مواد دیگر اعلامیه جهانی و بویژه مو ۲۰ و بند ۴ ماده ۲۳ آن که تصریح میکنند: «هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها شرکت کند»، موافقت داشته باشد. خود شاه و زمامداران رژیم نیز نمیتوانند منکر ممنوعیت احزاب و اجتماعاتی که بدخواه آنها نیست باشند، زیرا شاه مکرراً در اظهارات خود باین نکته تحت عنوان «عدم آزادی خیانت!» اشاره کرده است. (وی هر گونه مخالفت با رژیم استبدادی خود و خاندانش را خیانت مینامد) محاکمات متعدد افراد منتسب بعقاید سیاسی گوناگون، از توده ای و مصدقی گرفته تا دسته جات مذهبی و دینی از یکسو و وجود دستگاہ عریض و طویل سازمان امنیت و محاکم غیر قانونی نظامی که وظیفه دیگری جز تعقیب مخالفین سیاسی رژیم ندارند از سوی دیگر، گواه بی چون و چرایی بر نقض کامل این حق مسلم دموکراتیک افراد جامعه است.

قطعه نامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹)

و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

شد اسناد مهمی را تصویب کند که از آنجمله است سند اصلی جلسه مشاوره تحت عنوان «وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی».

سند تحلیل وسیع علمی مارکسیستی-لنینیستی از وضع کنونی جهان و وظائف مبرم جنبش کمونیستی و کارگری جهانی است و روشن میسازد که اکنون سمت عمومی تکامل بشریت را سیستم سوسیالیستی و طبقه کارگر و کلیه نیروهای انقلابی جهانی معین میکنند. این سند تحاوزات و تحریکات امپریالیستی را در مورد تمام قهرمان، در خاور میانه و خاور دور و کوبا و دیگر نقاط جهان افشاء میکند و جنبش پرتوان مبارزه و اعتراض علیه امپریالیسم را نشان میدهد و با عمق و واقع بینی ماهیت امپریالیسم را، در شرایط مشخص معاصر، در این عصر انقلاب علمی و فنی و گسترش انقلابات اجتماعی و رهایی بخش نشان میدهد و بسط تضاد های درونی امپریالیسم و تشدید ناپایداری سیستم سرمایه داری را مبرهن میسازد و ضرورت و مبرمیت وارد ساختن تغییرات قاطع انقلابی را در این سیستم اثبات مینماید.

در سند تصریح شده است که امپریالیسم دیگر قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود بازگرداند و تکامل جهان کنونی را به سیر قهقرائی وا دارد. طبقه کارگر و دیگر نیروهای انقلابی و دموکراتیک باید برای خاتمه دادن به اعمال تبه کارانه امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم آمریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفاء میکند همراه یکدیگر اقدام نمایند.

در سند تصریح شده است کشورهای که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند (و کشورها ایران از آنجمله است) توفیق نیافته اند حتی یکی از مسائل مطروحه در برابر خود را حل نمایند. در این کشورها ارتجاع داخلی که مواجه با نارضائی روز افزون مردم است بر تجاوز خود نسبت به آزادیهای دموکراتیک مافزاید و در برخی موارد بیرحمانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده هارا سرکوب میکند، اختلافات ملی، نژادی، مذهبی، عسریه ای یا زبانی را دامن میزند و بدین طریق استقلالی را که کشورهای مزبور بدست آورده اند بخطر میاندازد. سند تصریح میکند که در این کشورها راه حل وظائف مربوط به رشد ملی و ترقی اجتماعی و مقابله مؤثر در برابر نیرنگهای نو استعماری، بسیج توده های مردم، افزایش نقش پرولتاریا و دهقانان، اتحاد جوانان زحمتکش، دانشجویان و روشنفکران، قشر های متوسط شهرها، محافل دموکراتیک ارتش و تمام نیروهای

است مانند: پشتیبانی همه جانبه از خلق قهرمان ویتنام، مبارزه علیه خطر جنگ جهانی هسته ای، دفاع از صلح، مبارزه در راه تحمیل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای مختلف بر امپریالیسم، جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و عملی ساختن قرار داد عدم پخش آن و کوشش برای منع سلاح هسته ای مبارزه در راه الغاء پیمانهای نظامی، دفاع از اصل نقض ناپذیری مرز های کنونی اروپا و مبارزه برای برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان و ابراز همبستگی فعال با جمهوری دموکراتیک توده ای کره، پشتیبانی از مبارزه خلقهای عرب علیه تجاوزگران اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن و با یکبار خلعهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، مبارزه برای پاک کردن سیاره ما از ننگ استعمار و امحاء آخرین کانون های آن و جلوگیری از اجیاء اشکال مستور آن، مبارزه علیه فاشیسم و نژاد پرستی، نبرد برای نیل به آزادیهای دموکراتیک و مخالفت با تمام اشکال ستمگری بر ملل و اقلیت های ملی و غیره. مجموعه این تدابیر و اقدامات مشخص در واقع برنامه عمل مشترک احزاب کمونیستی و کارگری در شرایط کنونی است. حزب ما با امضاء سند اصلی قبول این وظائف و اجراء آنها را تعهد کرده است و نسبت به این تعهد خود وفادار خواهد ماند.

در سند تصریح شده است که اوضاع کنونی تقویت همبستگی یکبار جوانان ملل کشورهای سوسیالیستی، تمام واحد های جنبش کارگری جهانی و جنبش آزادی ملی را در مبارزه علیه امپریالیسم ایجاب میکند تا اجراء این وظائف مبرم دارای ضامن اجتماعی واقعی باشد. در سند تأکید شده است که وظیفه تحمیل سیاست همزیستی مسالمت آمیز بر امپریالیسم با قبول حق خلقهای ستمدیده برای استفاده از راههای مبارزه که برای رهایی ضرور میسرند، اعم از مسلح و غیر مسلح تباین ندارد و بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست. این نیز مسلم است که هر خلقی حق دارد در قبال تمدنی متجاوزان امپریالیستی بدفاع مسلحانه بپردازد و در این کار عادلانه از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردد. این امر جزء مبارزه عمومی ضد امپریالیستی خلقهاست.

در سند اصلی جلسه مشورتی مسئله وحدت احزاب کمونیستی و کارگری مورد بررسی و سعم و عمیق قرار گرفته و تصریح شده است که همپیوستگی احزاب کمونیست و کارگری مهمترین عامل اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی است. در سند مسئولیت ملی و بین المللی کمونیستها بیان گردیده و گفته شده است که

وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، خدمت فداکارانه و صادقانه بمنافع خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، شرط حتمی برای اثربخشی و سمت یابی درست در وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و پایه موفقیت های آنان در تحقق هدفهای تاریخی خویش است. در سند با خشم و نفرت تضییقات خونینی که در یک سلسله از کشورها و از آنجمله در کشور ما ایران علیه کمونیستها و دیگر عناصر دموکرات اعمال میشود محکوم شده است. سرانجام در سند ابراز اطمینان شده است که بر مشکلات موجود در جنبش کارگری و کمونیستی و نیز برخی تفاوت نظرهای موجود غلبه خواهد شد و کنفرانس جهانی احزاب برادر به گام مهمی در راه همپیوستگی نهضت پر افتخار انقلابی جهانی بدل خواهد گردید. چنین است نکات اساسی سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر که خطوط راهنما را برای درک و تحلیل وضع کنونی جهانی و نهضت انقلابی و رهایی بخش و وظائف مبرم ناشی از این تحلیل را بدست میدهد و حزب ما را به خط مشی روشن مارکسیستی-لنینیستی در مسائل جهانی مجهز میسازد.

پلنوم سند اصلی مصوب جلسه مشاوره احزاب برادر و دیگر اسناد این جلسه یعنی سند مربوط به صلح و صد سالگی میلاد لنین و سند مربوط به ویتنام را تأیید میکند. پلنوم به رهبری توصیه میکند برای پخش اندیشه های سند اصلی از کلیه وسائل خود استفاده کند و وظائف مشخصی را که از این سند برای حزب ما ناشی میشود استخراج و برای اجراء عملی آنها وسائل لازم را بیاندیشد و احکام راهنمای این سند را در تحلیل وضع ایران وجهه نظر خود قرار دهد.

۲

کنفرانس جهانی در پیام خاصی تحت عنوان «استقلال، آزادی و صلح به ویتنام» به خلق برادر ویتنام درود آتشین یکبار جوانان فرستاده و از صمیم قلب کامیابهای تاریخی وی را در نبرد علیه تجاوز ایالات متحده آمریکا شادباش گفته است. در این پیام تصریح شده است حق خلق ویتنام برای نبرد در دفاع از میهن خود، حق مقدس و خدشه ناپذیر کلیه خلقها در دفاع خویش است. در این پیام تصریح شده است که یکبار شجاعانه مردم ویتنام علیه تجاوز امریکا یکی از مهمترین اجزاء نبرد جهانی بین سوسیالیسم و امپریالیسم، مابین نیروهای مترقی و ارتجاع است. خلق ویتنام با پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در نوبه اول اتحاد شوروی و نیز مردم صلح دوست جهان، به ایالات متحده امریکا، این فویترین نیروی امپریالیستی نشان داد که قدرت وی غیر محدود نیست. تجاوز امریکا و تبه کاریهای بربر منشاها مداخله گران در ویتنام به افراد روز افزون سیاسی و معنوی تجاوز گران در میان وسیعترین قشر ها منجر شده است. نبرد حماسه آمیز خلق ویت نام یکی از عوامل تعیین کننده در جنبش خلقها

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

در مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ اعلامیه جهانی چنین میخوانیم: «هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد... هر کس حق دارد در برابر تعقیب و شکنجه و آزار پناهیگاهی جستجو کند و در کشور های دیگر پناه اختیار نماید... هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد... احدی را نمیتوان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد».

اینها اصول مسلمة اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند که دولت ایران زیر آنرا امضاء نموده است. ولی رژیم که مدعی دفاع از این اصول است و حتی با گستاخی تمام کنگره حقوق بشر را به تهران میخواند، کمیته باصلاح ایرانی حقوق بشر تحت ریاست عالیة خواهر شاه برپا میکند و اینهمه سنگ بش دوستی بسنه میکوبد و برای «اردوهای بزرگ آوارگان مصیبت دیده» مرثیه خوانی میکند نه تنها کوچکترین اقدامی برای تسهیل مراجعت آبرومندانة هزاران پناهنده سیاسی ایرانی که در برابر کشتارها، شکنجه ها و تعقیب های خود سرانه رژیم به کشور های خارجی پناه برده اند، نمیکند بلکه بعکس میکوشد حتی فرزندان آنها را نیز از حق تابعیت ایرانی خود محروم سازد، خود سرانه از صدور گذرنامه برای آنان خود داری میکند و یا به مأموران کنونی خود در خارجه دستور میدهد که گذرنامه های آنان را ضبط نمایند و اجازه مراجعت بایران بآنها ندهند و یا با لجاج تمام با عدم تمدید گذرنامه ها از بازگشت آزادانه پناهندگان و فرزندانشان بهمن جلو گیری بعمل آورد. دانشجویان دلیر ایرانی را که با اسلوهای آزادی کش رژیم موافق نیستند و در خارجه میدان فعالیت یافته اند بعنوان مختلف مورد تضییق و فشار و تهدید قرار میدهد؛ خود سرانه گذرنامه های تحصیلی آنها را ضبط میکند و یا از تمدید آن خود داری میورزد.

ما از بحث در باره اصول دیگر اعلامیه و از آنجمله حق آزادی انتخابات، اصل تساوی همه افراد در برابر قانون، حق برخورداری از دادگاههای مستقل و بی طرف و رسیدگی علنی محاکمات، حفظ حقوق متهم و آزادی دفاع، ممنوعیت شکنجه و توقیف تعبد و حبس خود سرانه و غیره سخنی نمیگوئیم زیرا تخلف زمامداران رژیم کنونی از این اصول بقدری روشن است که احتیاجی به بسط کلام نیست.

باری يك بررسی اجمالی به اظهارات، نطقها و بیامهای شاه و «ریاست عالیة کمیته ایرانی حقوق بشر» نشان میدهد که اینان اعلامیه جهانی حقوق بشر را صرف نظر از

محتوی سیاسی و اجتماعی آن قبول دارند و بعقیده آنان اصول اعلامیه در همه جا نقض میشود جز در کشور شاهنشاهی که بنا بر اظهار صریح خود آن والا حضرت «در زمینه ملی با وجود موانع و اشکالات جهانی (کنافی الاصل) میتوان مباحثات کرد که با انقلاب سفید شاه و مردم راه پرفراز و نشیبی که برای تعمیم عدالت اجتماعی و احترام بحقوق بشر در کشور ما وجود داشت هموار شده است و تحول و فایع نشان میدهد که آینده بسیار درخشان تری در انتظار ملت ایرانست» (ثم العجب!) باز خود ایشان بعنوان ریاست هیئت نمایندگی ایران در بیست و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر جنین میفرمایند: «ما در حال حاضر چه می بینیم؟ از یکطرف پرونده فظور تجاوزات بحقوق بشری و رنج های بشمار که از این تجاوزات برای برادران و خواهران ما در بسیاری از نقاط جهان (الته غیر از ایران) ناشی میشود و از طرف دیگر انبوه متراکمی از قطعنامه ها و گزارشها و سپس بهمن روال تا آنجا که بعنوان چراغ الله میافزایند: «شاهنشاه آریا مهر هنگام گشایش کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران این حقیقت را یاد آور شدند و اظهار داشتند (در روز کار ما حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی، عدالت قانونی بدون عدالت اجتماعی دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی هیچ معنا و مفهوم واقعی ندارند». چیزی که منطقاً از این گفتار و نقل قول شاهانه نتیجه میشود اعتراف باینست که در کشور ما نه تنها حقوق سیاسی و دموکراسی سیاسی وجود ندارد بلکه از حقوق اجتماعی و اقتصادی نیز خبری نیست، زیرا بنا بر فرمایش خود ایشان فقدان این یکی مستلزم فقدان آن دیگری است. کلام الملوك ملوك الکلام!

با وجود این همین امر که شاه و هیئت حاکمه خود را مجبور می بینند ولو بظاهر و از لحاظ تاکتیکی هم شده اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را یاد آور شوند، خود دلیل اهمیت معنوی و بین المللی آنست. بهمن سب مواد مختلفه اعلامیه جهانی حقوق بشر میتواند بمثابة حربه نیرومند در مبارزه مردم ایران برای تأمین آزادیهای دموکراتیک مورد استفاده قرار گیرد. کمیته های ایرانی دفاع حقوق بشر در صورتیکه بوسیله خود مردم تشکیل شوند و خردمندانه از آن بمنظور دفاع از آزادیهای دموکراتیک استفاده گردد میتوانند به تجهیز متحد افکار عمومی ایرانیان در داخل کشور و چه در خارج کمک مؤثری نمایند. شرط اساسی موفقیت در این راه سازمان متحد مبارزه متحد، یگیر و با تدبیر است.

کیوان

قطعنامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

علیه امپریالیسم بدل گردیده است. در پیام گفته شده است که ایالات متحده امریکا باید فوراً عملیات تجاوزکارانه خود را در ویتنام متوقف سازد و نیروهای اشغالگر خود را بطور کامل و بدون قید و شرط از ویت نام خارج نماید.

پلنوم سیزدهم حزب توده ایران با تأیید پرشور این پیام به نوبه خود بمردم دلآورد ویتنام که از جهت مقاومت و مبارزه دلآورانه علیه امپریالیسم فصلی شورانگیز و بی نظیر در تاریخ جنبش های رهائی بخش پدید آورده اند درود میفرستد.

رهبری حزب باید از کلبه امکانات برای بسط جنبش همبستگی با نبرد قهرمانانه مردم ویت نام که پیروزی آن مستقیماً دراعتلاء نهضت در کشور ما نیز مؤثر است استفاده کند و در این زمینه با تمام ابتکار، با تمام شور و علاقه عمل کند.

۳

در جریان تدارک جلسه مشاوره و در خود این جلسه نقش برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و مبارزه خردمندانه و یگیرش در راه دفاع از پاکیزگی مارکسیسم-لنینیسم از انحرافات چپ و راست، در راه تحکیم وحدت و همبوستگی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری یکبار دیگر با درخشندگی خاصی بروز کرد. این واقعه ای است که مورد تأیید احزاب برادر قرار گرفت و نمایندگان بسیاری از احزاب و از آنجمله حزب ما اهمیت حفظ و تحکیم همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست شوروی و اعتلاء اعتبار معنوی آنرا با شور تمام بیان داشتند در جلسه مشاوره تصریح گردید که مارکسیست-لنینیست بودن با ضد شوروی بودن و آنتی امپریالیسم با آنتی سوسیالیسم ناسازگارند.

این واقعیت که اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی است که پیشوای داهی زحمتکشان جهانی لنین آنرا بنیاد گذازده؛ این واقعیت که اتحاد شوروی بزرگترین قربانیها را در انقلاب و جنگهای داخلی و در نبرد علیه فاشیسم خونخوار داده است و راه پرافتخاری را در راه ساخته ان سوسیالیسم طی کرده و اینک مقتدرترین دولت سوسیالیستی از جهت اقتصادی، علمی، فرهنگی و نظامی است، این واقعیت که سیاست اتحاد شوروی در همه عرصه ها بر اصولیت بی خدشه و اجراء وظائف انترناسیونالیستی خود استوار است، احساس احترام و اعتماد جنبش انقلابی و رهائی بخش جهانی را نسبت بوی بیش از پیش بالا میبرد.

در جلسه مشاوره اکثریت نمایندگان خط مشی تفرقه طلبانه و ماجراجویانه گروه

صفحه ۶
دنباله از صفحه ۴
دنباله از صفحه ۵

مابوتسه دون را مستدلاً افشاء و رد کردند. در عین حال جلسه ضرورت همه گونه تلاش را برای غلبه بر مشکلات موجود در روابط احزاب برادر با احزاب کمونیست چین و نیل بوحدت و همبوستگی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تصریح نمود.

حزب ما پیوسته برای دوستی و همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی اهمیت ویژه ای قائل بوده و هست که ناشی از مشی انقلابی و انترناسیونالیستی او، ناشی از تحلیل علمی و اصولی او از وضع کنونی جهان و منافع حیاتی طبقه کارگر جهان و ایران است. حزب ما پیوسته با انواع انحراف از مشی صحیح انقلابی در جهت راست و چپ، و از آنجمله با مابوتسیم در اندیشه و عمل مبارزه کرده است. در عین حال حزب ما هوادار پرشور اتحاد و همبوستگی همه احزاب کمونیستی و کارگری بر پایه اصولی است. حزب ما به این موضوع اصولی خود وفادار بوده و خواهد بود و برای ایجاد روح انترناسیونالیسم پرولتری و دوستی با اتحاد شوروی در افراد حزب و همه توده های زحمتکش ایران کوشیده است و خواهد کوشید.

حزب ما در جریان تدارک و برگزاری جلسه مشاوره ژوئن ۱۹۶۹ و تنظیم اسناد این کنفرانس شرکت فعال داشته است. پلنوم مجموعه فعالیت رهبری حزب و هیئت نمایندگی ما را در جلسات تدارکی و در کنفرانس و گزارش هیئت اجراییه را که به پلنوم تقدیم شده، تأیید میکند.

پلنوم توصیه میکند که حزب در کلبه فعالیتهای بین المللی نظیر که در جلسه مشاوره جهانی در اطراف آن سخن گفته شده است (مانند کنفرانسهای بین المللی تئوریک، جلسات وسیع ضد امپریالیستی و همانند آن) با جدیت و ابتکار و تدارک لازم شرکت جوید و نقش فعال حزب را در حیات انقلابی بین المللی بالا ببرد.

حزب ما باید در مبارزات جهانی علیه ایدئولوژی بورژوائی و علیه جریانات انحرافی چپ و راست و علیه تنگ نظرهای ناسیونالیستی پیوسته خط مشی بی ابهام و روشن داشته باشد، زیرا تنها بدین شکل میتواند منویات واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را منعکس کند.

پلنوم استفاده از جلسات مشاوره منطقه ای بین احزاب برادر را وسیله مؤثری برای تقویت مبارزه طبقه کارگر در منطقه معین میشمرد و لذا بر رهبری توصیه میکند تمام کوشش خود را بویژه در مورد تشکیل کنفرانس از احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خاور میانه بکار برد.

لنین و تئوری انقلابی

باستخت آنروزی روسیه شد. لنین دیگر یک مارکسیست کارگش و قوی بود و در میان محفل های مارکسیستی روس کسب وجه و شهرت کرده بود. لنین از همان آغاز در عرصه تئوری مجرد و خالص، باقی نماند بلکه با دقت و اصابت نظر ویژه خویش به بررسی جامعه معاصر روس، رشد نظام سرمایه داری در آن، تعیین نقش طبقات اجتماعی جامعه آن و بررسی انقلاب روس پرداخت. حتی در همان ایام (۱۸۹۵-۱۸۹۳) کتابهای او تحت عنوان «تحولات جدید اقتصادی در زندگانی دهقانان»، «درباره اصطلاح مسئله بازار» «دوستان مردم کیانند و چگونه با سوسیال دموکراتها مبارزه می کنند»، «محتوی اقتصادی روش ناردمیکمی و انتقاد از آن در کتاب «سترووه» مسائل مشخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه معاصر روس را در زیر ذر بن تحقیق علمی مارکسیستی قرار میدهد. در سالهای ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹ که لنین بعزت فعالیت انقلابی خود در تبعیدگاه سبیری بود، دست به تألیف اثر مهم خود «رشد سرمایه داری در روسیه» میزند و در این کتاب نشان میدهد که بسط و تکامل سرمایه داری در روسیه تقسیم کار را در داخل جامعه تشدید می کند و لذا منجر به قشر بندی مولدان خرده یا میشود و بازار داخلی را وسیع میسازد و تعداد پرولتاریا فزونی میگیرد و این طبقه به نیروی مولده اساسی جامعه مبدل میگردد. بسط این مناسبات مناسبات منجمد و فرسوده فئودالیسم را بناچار رو بتلاشی و زوال میرد و تنها با دیدن این واقعیت است که میتوان وظایف سیاسی و انقلابی را تعیین کرد.

از همین ایام «دوران لنینی تکامل مارکس» آغاز میگردد زیرا لنین در این آثار ابتدای جوانی خود نشان داد که میتواند ماهرانه و بشکل درخشان احکام عام دیالکتیک تکامل تاریخ را بر نسج خاص جامعه زمان خود بشکل خلاق و علمی تطبیق دهد وظایف سیاسی طبقه کارگر را از این انطباق بیرون بکشد و تئوری را با احکام و استنتاجات نوینی غنی سازد. لنین در همین جاده با پی گیری علمی پیش رفت و فصل عظیم و نوینی را در تکامل فکر و عمل مارکسیستی گشود.

لنین در همین ایام نوشت که تئوری مارکسیزم «جدی ترین و عالی ترین علمت را (زیرا آخرین سخن علم اجتماعی است) با انقلابیت پیوند میدهد.» در همین توصیف لنین بخوبی دیده میشود که لنین نه عالمان بی عمل و نه بی خبران از تئوری انقلابی، هیچکدام را با حق نمی داند و میآموزد که باید پیوسته علمت را با انقلابیت، تئوری را با عمل در آمیخت. باید مارکسیسم را نه تنها در احکام عام آن بلکه در انطباق مشخص آن بر جامعه مشخصی که فرد انقلابی در آن بسر میرد، نیز شناخت و بسویژه این شناخت انطباقی مارکسیسم است که شناخت مارکسیسم را شناخت عمیق و واقعی مبدل می کند.

زنان و دختران پیکار جوی ویتنام

زندان «تووک» و از جمله زندانیان غیر سیاسی، بمنظور افشاء این تبهکاری ها، مجازات آدمکشان، حذف مراسم احترام به پرچم ویتنام جنوبی و لغو قوانین ضد بشری زندان متحدا دست بمبارزه زدند. آنها خواستار عکسبرداری از اجساد مقتولین و جراحات معلولین (بر اثر شکنجه) شدند و تقاضا کردند تا شهداء بطرز شایسته ای بخاک سپرده شوند و بخانواده های آنان خسارت پرداخت گردد.

تسلیم زنان به سگهای درنده

ولی شکنجه گران دست از فشار بر نداشتند. در ۲۲ اوت ۱۹۶۸ خانم «نگو هین تی خو آن لائو» را از سلول شماره ۷ زندان «تووک» چنان مضروب نمودند که جان سپرد. و سپس یک گروهان پلیس وارد زندان شد تا جسد را تحویل گیرد. زنان زندانی از تحویل جسد امتناع نمودند در نتیجه ۱۸ زن شدیداً مضروب شدند و به ۳۵ نفر اخطار شد تا خود را برای انتقال به محل دیگر آماده کنند. زندانیان از اجرای دستور خود داری نمودند، واحد پلیس بلافاصله سگهای درنده را رها کرد. چهار نفر از زندانیان جا بجا زیر چنگ و دندان سگهای درنده تکه و پاره و بسیاری مجروح شدند. تاکنون دهها نفر از زنان زندانی «تووک» کشته و یا مفقودالامر شده اند و صدها نفر بر اثر شکنجه معلول شده اند. زندانیان زندان «تووک» با آنکه زندگانی آنها جدا در خطر است، به مبارزه سر سخته خود کماکان ادامه میدهند.

خانم «بین» وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی در گزارش خود به کنفرانس پاریس از افکار عمومی جهان خواستار شد که جنایات را افشاء کنند و اقدامات جدی بمنظور متوقف کردن دست خون آلود امپریالیسم امریکا و گروه دست نشانده آنها در زندان «تووک» و سایر زندانهای ویتنام جنوبی بعمل آورند و بخواهند بزنگی وشایستگی میهن پرستان زندانی احترام گذارده شود و تمام زندانیان سیاسی آزاد شوند.

ما در اینجا قصد ورود در باره بررسی ارنیه عظیم تئوریک لنین نداریم. اینکار از وظیفه مقاله ای محدودبکی خارج است از آنجا که سر مشق گرفتن از شخصیت پیشوای داهی زحمتکشان که بزودی بشریت مترقی صد سالگی ویرا بر پا خواهد داشت وظیفه هر انقلابی است و از آنجا که برای جوانان انقلابی ایران، فعالیت فکری و علمی دوران جوانی لنین میتواند منبع عظیم الهام و نمونه باشد، لذا کوشیدیم باختصار با این فعالیت آشنا شویم. نباید فراموش کرد که بهترین شیوه قدرشناسی از بزرگان کوشش برای فرا گرفتن شیوه آنان است.

معینی دو تن از شهیدان کردستان که اولی بدست دژخیمان سازمان امنیت از پای درآمد و دومی در یک نبرد تن بتن در برابر ژاندارم ها شهید شد. جلدان شاه برای ایجاد رعب در مردم میخواستند جنازه سلیمان معینی را (سمت چپ) شهر بشهر بگردانند، ولی مردم بمنظور اعتراض دکانها را بستند و در نتیجه جنازه را تحویل گرفتند و در آرامگاه شهر با احترام بخاک سپردند.

سلیمان و عبدالله برادر مبارز تا آخرین دم در راه آرمانهای مردم قهرمانانه مبارزه کردند. علیرغم تبه کاری های رژیم شاه در کردستان خلق کرد به مبارزه خود علیه شاه و حامیان امپریالیست او ادامه خواهد داد.



زندانیان خود کشی میکنند

خانم «نگوین تی خون» عضو کمیته جبهه آزادیبخش ملی در مناطق ساپگون و خولون و سیادین در آغاز سال ۱۹۶۷ توقیف و یکماه تمام در زندان «تووک» زندانی بود. سپس او را باز دوگاه بازداشتی ها منتقل کردند و پس از آزادی این منطقه توسط ارتش آزادی بخش ملی ویت نام خانم تی خون نیز آزاد شد. او پس از آزادی هنگام عبور از پاریس اطلاعات دقیقی از شرایط دشوار زندانیان در «تووک» در اختیار هیئت نمایندگی جبهه آزادیبخش ملی در کنفرانس پاریس گذارد. وی گفت: «شرایط زندان فوق العاده دردناک است. زندانیان شب و روز شکنجه می شوند و فریادهای شکنجه دیدگان قطع نشدنی است. سلولها بطول ۲۰ متر در ۸۰ سانتیمتر است و فقط از یک منفذ چند سانتیمتری هوا میگیرند. در این سلولهای تنگ و تاریک زندانیان رنگ نور را نمی بینند. بهنگام روز اجازه خروج و هوا خوری ندارند و فقط در شب برای خالی کردن سطل های بدون سروش فضولات خود با آنها اجازه خروج از سلول داده میشود. فقدان بهداشت بعدی است که عده کثیری از زندانیان به بیماری سل مبتلا شده اند. زندانیان جز یک بالاپوش سبک بر تن ندارند و شب و روز بدون رو انداز روی زمین میخوابند. شکنجه روحی و جسمی زندانیان چنان شدید است که برخی از آنها با استفاده از تکه های لباسشان خود را حلق آویز میکنند.»

علیرغم قساوت هولناک امپریالیسم و گروه دست نشانده ساپگون، خلق ویتنام از زن و مرد و پیر و جوان دلیرانه مقاومت می کنند. تا روزی که خلق ویتنام بر سر نوشت خود حاکم شود، پیکار حماسه آمیز مردم ویتنام ادامه خواهد یافت.

اطلاعیه دبیر خانه ...

های گوناگونی م شمارند که باشکال مختلفه در کشور ما ظهور میکنند و از لحاظ ماهیت طبقاتی و اصول عقیده ای کمترین ارتباطی هم با سازمان حزبی ما ندارند.

ولی نه توطئه سکوت و نه تبلیغات مزورانه و پسر سر و صدا علیه حزب ما نتوانسته اند و نمیتوانند ما را از تعقیب خط مشی صحیحی که در مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی در پیش گرفته ایم باز دارند. توده های وسیع مردم ایران، حزب ما و خصائل میهن پرستانه و آزادیخواهانه ی وی را ننگ می شناسند و بهمین سبب تبلیغات خصمانه شدید و انتشارات مجعولی که با استفاده از محیط ترور و اختناق بوسیله ی رژیم ستهگر و آزادیبخش کنونی علیه حزب ما انجام میگردد، نمیتواند در افکار عمومی مردم آزاده کشور ما مؤثر افتد. مردم ایران بخوبی درک میکنند که خط مشی حزب ما در جهت اتحاد کلیه نیروها و عناصر ملی و دموکراتیک، سیاستی است اصولی و پوی گیر که از ماهیت انقلابی حزب ما سر چشمه گرفته و بر اساس تحلیل واقع بینانه مرحله کنونی انقلاب ایران قرار دارد و لذا نمی تواند کوچکترین مشابهتی با بند و بستهها و توطئه های داشته باشد که جناحها و عناصر مختلفه هیئت حاکمه بنا باقتضای منافع خاص خود گاه و بی گاه علیه یکدیگر ترتیب میدهند.

با این وجود برای رفع هر گونه شبهه و ابهام دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند اخبار مجعولی را که در مطبوعات ایران دایر به «قرار و مدار های پنهانی» حزب ما و «همکاری مجرمانه» آن با تیمور بختیار انتشار یافته جدا و قویاً تکذیب کند و نیز این ادعا را که گویا حزب کمونیست عراق در این زمینه وساطت و یاد مینایی کرده است، مانند تهمت بی شرمانه ای نسبت بحزب برادر عراق که یکی از گردانهای مؤثر جنبش کارگری در خاورمیانه است افشا نماید. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۵ دی ۱۳۴۸

هر شب ستاره ای بنزمین میکشند و باز

این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

حتی يك لحظه هم نگذاشتند آن سکوت گورستان که رژیم میخواید در دانشگاه برقرار کند ، تحقق یابد . حتی يك لحظه هم پرچم مبارزه‌ای را که سه دانشجوی شهید با خون بیگناه خود رنگین ساختند ، از دست نگذاشتند و در برابر دژخیمان سرافروزد نیامورند . وقتی دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند : « رضوی ، بزرگ نیا و قندچی با خون خود شعله نهضت دانشجویی ایران را فروزان کردند . این مشعل فرزندان هرگز خاموش نخواهد شد » بدرستی واقعیت مبارزه خاموش نشدنی خود را منعکس میکنند .

شهیدان ۱۶ آذر فقط درس دلاوری و جانبازی ندادند . آنها که یا توده‌ای و یا مصدقی بودند وقتی یکصد را سر دژخیمان بانگ زدند ، وقتی دست در دست و شانه بشانه سینه های مردانه خود را در برابر جلاان سیر کردند و سرانجام وقتی که از پا درآمدند و خونشان بهم آمیخته شد ، درس اتحاد-اتحاد بزرگ بر ضد دشمن مشترک و بخاطر هدف مشترک را نیز بهمه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران دادند . در دورانی که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران درگیر مبارزه‌ای دشوار و بفرنج و طولانی‌اند و در زمانی که بادهای نامساعد پراکنندگی و اختلاف بین نیروهای ملی و مترقی نمیگذارد که شعله های مبارزه به آتشی عظیم و دشمن سوز بدل گردد ، درس اتحاد شهیدان دانشجویان اتحادی که کلید پیروزی است ، درخشان تر و عبرت انگیزتر از همیشه است .

هنگامیکه که دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند « اتحاد ، مبارزه ، پیروزی شعار مقدس دانشجویانی است که بخاطر تحقق آرمان شهدای شانزده آذر پیکار میکنند » بر تو امید است که دل ما و همه مبارزان را برای تحقق اتحاد ، ادامه مبارزه و نیل به پیروزی روشن میکنند ، درخشان تر میگردد .

گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر!
درد پر شور ما به دانشجویان مبارز ایران!
م . انوشه

این شعر زیبا و پر معنی یکی از شعار هائی است که امسال دانشجویان دانشگاه تهران برای گرامی داشت خاطره شهیدان ۱۶ آذر ۱۳۳۲ - شریعت رضوی ، احمد قندچی ، مصطفی بزرگ نیا - در تراکنهای کوچک بخش کرده‌اند . آنها بار دیگر و علیرغم ترور پلیسی بیوند ناگسستنی خود را با این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران اعلام پیمان دیرین خود را برای ادامه مبارزه در راه آرمانهای انقلابی آنان تجدید کرده‌اند . در تراکت دیگری دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند :

« دوستان دانشجویان! روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یکی از بهترین روزهای تاریخ مبارزات دانشگاهی است . در این روز در تظاهراتی که علیه ورود ریچارد نیکسون بمنظور فراهم کردن زمینه مناسب جهت عقد قرارداد های ظالمانه نفت و نیز تجدید روابط ایران و انگلیس صورت گرفت ، سه تن از ارجمندترین و آزادمنش ترین دانشجویان دانشگاه تهران شریعت رضوی ، احمد قندچی مصطفی بزرگ نیا در صحن دانشکده فنی دانشگاه تهران بضرر گلوله شهید شدند . روز ۱۶ آذر که در حقیقت روز تجلی روح میهن پرستی دانشجویان است از افتخارات دانشجویان مبارز بشمار میرود . اکنون که ۱۶ سال از آن روز میگذرد و فقر و تنگدستی اکثریت هموطنان ما بموازات ثروت و فساد گروهی معدود گسترشی بیشتر یافته است حقانیت دانشجویان مبارز بیشتر آشکار گشته و شهدای ۱۶ آذر بعنوان سمبل این دانشجویان ارج و احترامی بیشتر یافته‌اند . »

در تراکت دیگری دانشجویان دانشگاه از جمله مینویسند :
« آزمون تاریخی ۱۶ آذر نشان داد که رزمندگان دانشگاه توانائی آنها دارند که بمنظور رهائی ایران و وفاداری به خلق ایستاده بمانند . ۱۶ آذر روز سوگند خونین دانشگاه به نبرد علیه دیکتاتوری و امپریالیسم است . دانشگاه همچنان بصورت پایگاه آزادی با برجاست و راه آن از راه دشمنان خلق جداست . بین دانشجویان و آدمکشان رژیم کودتا خلیجی از خون آزادیخواهان و میهن پرستان قرار دارد ، خونی که الهام بخش ستیز آشتی ناپذیر ماست . »

در واقع وقتی دانشجویان دانشگاه تهران در تراکنهای خود از جمله مینویسند « شهیدان شانزدهم آذر با نثار خون خود راه مبارزه واقعی در راه آرمانهای انقلابی را بآموختند » فقط خاطره شهیدان قهرمان خود را تجلیل نمیکنند . طی سالهای پس از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه با وجود اشغال نظامی دانشگاه و سپس تسلط سازمان امنیت و علیرغم اخراج و توقیف و حبس و شکنجه دانشجویان توسط همان دژخیمانی که ددمنشانه بزندگی جوان سه دانشجوی شهید خاتمه دادند ،

زنان و دختران پیکار جوی ویتنام در اسارت شکنجه گران

در یکی از جلسات کنفرانس پاریس در ژوئیه سال ۱۹۶۹ خانم « نگوین تی بین » وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی اسنادی حاوی جنایات وحشیانه‌ای که امریکا - ژپها و حکومت دست نشانده سایگون نسبت به زنان زندانی زندان « توووک » مرتکب شده‌اند قرائت نمود . این سند بر اساس شهادت مجبورین سابق زندان « توووک » و اقرار عده‌ای از سربازان دولت بوشالی سایگون تنظیم شده و افشاگر حوادث لرزا - نده‌ای است که از سال ۱۹۶۰ بیعده در زندان « توووک » گذشته است . اطلاع از این حوادث از یکسو از سیمای ددمنش امپریالیسم امریکا و گروه فاشیست سایگون پیش از پیش برده بر میگیرد و از سوی دیگر استاد گی دلیرانه زنان و دختران ویتنام را در برابر فاشیستهای امریکائی و دستیاران سایگونی آنها نشان میدهد . خانم « بین » در گزارش خود چنین گفت :

از سال ۱۹۶۰ تعداد زنان میهن پرست ویتنامی که بدست ارتش سایگون بازداشت و زندانی شده اند افزایش یافته است . این زنان پیکار جوی ، متحمل مجازاتهای وحشیانه ای شده اند . امریکائیها و نوکرانشان در ویتنام جنوبی ، برای درهم شکستن روحیه این زندانیان و شکنجه جسمی آنها ، همه گونه وسیله‌ای را آزموده‌اند و حتی عده‌ای از آنانرا بتعبید گاههای اعمال شاقه در « پولو - کندر » و « فو کونگ » اعزام داشته‌اند . در سال ۱۹۶۲ تمام زنان زندانی را اعم از متهم سیاسی و یا مجرم عادی ، بزندان « توووک » انتقال دادند . زندان « توووک » در ۱۲ کیلومتری شمال شهر سایگون قرار دارد . بندیان زندان « توووک » شب و روز در شکنجه گاهها و حتی در سلولها شکنجه میشوند . در آغاز سال ۱۹۶۸ تعداد زنان زندانی « توووک » به ۱۴۰۰ نفر رسید . تعداد زندان - بنیانیکه بعلت شکنجه‌های شدید ، گرسنگی و بیماری جان سپرده اند ، پیوسته رو با افزایش است .

مأموران زندان همه روزه زندانیان را مجبور میکنند در برابر پرچم دولت دست نشانده ویت نام جنوبی مراسم احترام بعمل آورند و به پیکار میهن پرستانه مردم ویت نام جنوبی دستانم گویند و توهین کنند . آن عده از زنان زندانی که از دستور زندانیان تبعیت نکنند ، بشدت مجازات میشوند . آنها را بلافاصله در سلولهای تنگ و تاریک می - اندازند گرسنگی و تشنگی میدهند و بقصد کشت مضروب میسازند .

قتل بوسیله شکنجه

از ژوئیه سال ۱۹۶۸ ، موجی از خشونت‌های خون آلود همراه با زجر و شکنجه و قتل زندانیان در زندان « توووک » آغاز گردید . در دهان و چشمهای زندانیان آهک میریختند ، دندانهای آنها را میشکستند و بیرون میکشیدند ، صورت زندانیان را می - سوزاندند ، و آنها را تا سرحد بیهوشی کتک میزدند . از جمله دندانهای زن آموزگاری را بیرون کشیدند و صورت سه تن از زنان زندانی را سوزاندند .

۱۶ اوت ۱۹۶۸ خانم « تی - بین » را باطاق شکنجه بردند او را برهنه کردند و سپس دو نفر از مأموران شکنجه پاهای زن را باز کردند تا رئیس زندان « دون نگومین » افسر ارتش ویتنام جنوبی برای شکنجه وحشیانه ، باتون بکار برد . و پس از این شکنجه وحشیانه رئیس زندان به سر - بابا - زان خود دستور داد تا بنوبت به زن تجاوز کنند . در همان روز ده نفر از زنان زندانی را پس از مراجعت از دادگاه برای اعمال فشار به زندان دیگری منتقل کردند . زندانیان بمنظور اعتراض دست باعصاب غذا زدند و زندانیان سلول مجاور نیز که هشت نفر بودند ، باعصاب پیوستند . روز ۲۱ اوت دژخیمان با قساوت و سفاکی اعتصاب کنندگان را شلاق زدند . در همان شب خانم « نگوین تی تان » و « وانگ تی ران » بر اثر جراحات وارده جان سپردند . « نگوین تی تان » ۴ ساله و « وانگ تی ران » ۱۶ ساله بود . دژخیمان بمحض اطلاع از مرگ این دو زن مقاوم با عجله بزندان آمدند تا آثار جنایت را از این بیرند . اما در زندان با مقاومت جمعی زندانیان روبرو شدند . زنان زندانی با آنکه بعلت اعتصاب غذا و تحمل ضربه‌های سوزان شلاق در حال ضعف بودند ، برای حفظ اجساد رفقای خود تصمیم بمقاومت گرفتند . شکنجه گران که از مقاومت زندانیان خشمگین شد بودند ، « کونگ کوئه کین » را که دختری ۲۴ ساله بود جا بجا کشتند ، و زن دیگری را بنام « هوئی تی نگون » تا حد فلج عمومی بدن مضروب ساختند . بقیه زندانیان کوشیدند تا بهر قیمت مانع بردن اجساد شوند تا شاید بتوانند پرده از این جنایات وحشیانه بر گیرند اما رئیس زندان دستور داد تا زنان را شکنجه دهند و مأموران زندان پس از اعمال شکنجه های سخت زندانیان را در حال اغما همراه با برنده و دیگر هرگز از آنان خبری نشد . در بین آنها دختران ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۹ ساله و زنان ۲۵ و ۳۰ ساله وجود داشتند این جنایات موجب شد تا ۱۴۰۰ نفر زندانی دنباله در صفحه ۷

کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در پاسخ نامه شادباش کمیته مرکزی حزب ما نامه ای بشرح زیر بامضای رفیق تودور ژوکوف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و نخست وزیر جمهوری توده ای بلغارستان ارسال داشته است .

کمیته مرکزی حزب توده ایران!
رفقای عزیز!
از شاد باش ها و آرزوهای نیکخواهانه شما در بیست و پنجمین سالروز انقلاب سوسیالیستی بلغارستان و از ارزیابی عالی شما در باره کامیابی هائی که مردم بلغارستان تحت رهبری حزب کمونیست بلغارستان بدست آورده اند صمیمانه از شما سپاسگزاریم .
ما اطمینان داریم که روابط دوستانه میان دو حزب ما در آینده نیز بر پایه اجرای پیگیر اصول مارکسیسم - لنینیسم و وفای به اترانسویونالیسم پرولتری بسط خواهد یافت .
تودور ژوکوف - دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان